

زایش من ، انسانیت من و نه اصل و نسب من !
On est être humain par sa **NAISSANCE** et non par ses **ORIGINES** !

در عظیم خلوت من ! در عظیم خلوت من / هیچ غیر از شکوه خلوت نیست . (فریدون ایل بیگی)
به سراغ من اگر می آید / نرم و آهسته یابید / میلاد که ترک بردارد / چینی نازک تهنائی من . (سهراب سپهری)

نشر دیگران

(گاه روزانه های دیروز ... و امروز)



دیگر نشر: 1 2 3 4 5 6 7 8 9 10 11 12 13 14 15 16 17

فهرست موضوعی: ادب و هنر تاریخی دینی سیاسی مارکسیستی ویژه نامه ها فهرست الفبائی آمده ها

762

کامیلیو تورز(برگردان:آزاده) : گروه های فشار چگونه در حکومت نفوذ می کنند
+ کامیلیو تورز: پلاتفرم جبههء متحد خلق کلمبیا
+ چه گوارا (برگردان:م.معلم):یادداشت های روزانه

xalvat.com

برگرفته از سایت : "بایگانی مطبوعات ایران"
<http://irpress.org>

مطالب رسیده به هیج عنوان مسترد نمی شود. اداره در حک و اصلاح مقالات آزاد است

کتاب جمعه

هفته نامه سیاست و هنر
سردبیر: احمد شاملیلو
یا همکاری شورای نویسندگان
مکانیات با صندوق پستی ۱۵۶۱۳۲ (تهران)
مرکز پستی: تلفن ۸۲۸۸۲۲ (تهران)

بهای اشتراک ۵۰ شماره ۲۰۰۰ ریال
۲۵ شماره ۲۴۵۰ ریال
که قبلاً دریافت می شود

بها ۱۰۰ ریال

خواندگانی که تاکنون نخوانسته اند بعضی از شماره های کتاب جمعه را تهیه کنند. می توانند به کتابفروشیهای مقابل دانشگاه مراجعه نمایند.

کتاب جمعه

سال اول
۲۹ شهریورماه ۱۳۵۸

xalvat.com

xalvat.com

سال اول
۲۹ شهریورماه ۱۳۵۸

کتابخانه

<p>۲۹ - ترجمه سمن یقینی ● ادبیات و اینترنت اینگتون</p> <p>۳۰ - ترجمه سمن یقینی ● هر بهائی الکترونی آرژان، ماسلو و اسکر</p> <p>۳۱ - ترجمه سمن یقینی ● هر برای هر ای دی ایلتون</p> <p>۳۲ - ترجمه سمن یقینی ● جایزه جهانی و تکنولوژی در ایران کستانتین سرکالاس</p> <p>۳۳ - از: ...</p> <p>۳۴ - فعالیت های جشن کشاورزی محمد جواد زاهدی ● ظهور و زوال (۲۹)</p> <p>۳۵ - آفرینش جهان (اسطوره‌ها)</p> <p>۳۶ - باجلان کریمی ● زن جیبی به: ...</p> <p>۳۷ - گروه های فشار چگونه در حکومت نفوذ می کنند کامیلیو توروز ترجمه آزاده</p> <p>۳۸ - اسطوره تاریخی</p> <p>● گید کادوس صلح شد به اعلی حضرت به: ...</p> <p>۳۹ - پرسه در مطبوعات</p> <p>● آزادی های سیاسی روزنامه انقلاب اسلامی</p> <p>۴۰ - از خوانندگان</p> <p>● شعر و قصه</p> <p>۴۱ - با خوانندگان عالم و باجم</p>	<p>طرح و نقش</p> <p>● رویا</p> <p>● داووش رادور ● کارپاکتور</p> <p>۴۲ - بلاتون</p> <p>● آنتیستین و گنگنا</p> <p>۴۳ - کارتون</p> <p>● طرح</p> <p>۴۴ - قصه</p> <p>● ساری</p> <p>● سیم ساکنان</p> <p>● درخواست دعوت</p> <p>● ماریتک پتیر</p> <p>● ترجمه آلف و یو</p> <p>● نقشه پایگانی</p> <p>● رکتور ژیداس</p> <p>● ترجمه رومن شوروی</p> <p>● آنتیستین و ژان ماسیس</p> <p>● ژورنالیستیک</p> <p>● ترجمه فیلادلفیا</p> <p>۴۵ - شعر</p> <p>● تاریخ</p> <p>● سینا - مستقیم</p> <p>● نادای</p> <p>● فریزر ارمیچر</p> <p>● کتب است با روزها</p> <p>● ع - ع - سائو</p> <p>● بازگشته</p> <p>● وایلم بائر منس</p> <p>● ن برکس</p> <p>۴۶ - مقالات و مقالات</p> <p>● سیاسی شوروی و انقلاب اخیر جان مایور آرمین</p>
---	---

برگرفته از سایت: "بانگانی مطبوعات ایران"
<http://irpress.org>

طریق قدرت اقتصادی و لزوم همگامی. زمام سایر قدرت ها را در دست دارد. خواه این قدرت ها فرهنگی باشند و خواه سیاسی، بوروکراتیک، نظامی، و خواه روحانی.

در کلمبیا وضع تمرکز قدرت اقتصادی روشن است. آمارهای مربوط به توزیع غلط درآمد ملی و درآمد سرائه ما، تقسیم اسفناک املاک و غیره، برای همه آشکار است. برای دستیابی به قدرت فرهنگی، نخست باید قدرت اقتصادی را در اختیار داشت. زیرا ساخت نهادهای آموزشی ما چنین اجباب می کند.

در سلسله مراتب ضرورت رسیدن به مقامات بالا، همگامی یا قدرتمندان مالی و نیز برخورداری از حداقل فرهنگ است. لازمه قدرت بوروکراتیک نیز برخورداری از این حداقل و همگامی حتی بیش تر است. زیرا در کلمبیا ترقی از طریق مجاری بوروکراتیک به تقسیم و تشخیص بلندپایگان بوروکراتیک بستگی دارد. و این مردان اگر با کسانی که قدرت اقتصادی در اختیار آنهاست کاملاً موافق و همگام نباشند نمی توانند منزلت اجتماعی خود را حفظ کنند.

در کشور ما، قدرت نظامی فقط می تواند به عنوان مدافع و حاسی ساختارهای تحمیلی و در تحلیل نهائی، مدافع قدرت اقتصادی قابل توجه باشد. قدرت اقتصادی، مزد و پاداش مردان نظامی را از طریق امتیازات مالی، اجتماعی، و یا حتی سیاسی، - تا چه مقتضی باشد - به نظامیان مزد می دهد و جریان زحمت می کند. و این ها بستگی دارد به اینکه تا چه اندازه آنان "نظام مسقر" همگام باشند.

در کشور ما قدرت روحانی با قدرت های مالی و سیاسی متحد است. چون که آن ها منافعشان مشترک است. همگامی روحانیون پشتوانه ضمانت حفظ این منافع است.

طبقات مردمی، که اکثریت های عظیم را شامل می شود، گروه های فشار را تشکیل نمی دهند. چون آن ها نه پتانسیل های مشترکشان آگاهند و نه در فعالیتشان متحداند. آنان سازمانی دارند که در سطح ملی گسترده باشد، و نه حتی دارای کمترین اهداف سیاسی مشترکند. اگر اکثریت ها نتوانند این شرایط لازم را به دست آورند، کلمبیا هرگز روی یک دموکراسی واقعی را نخواهد دید.

برگرفته از سایت: "بانگانی مطبوعات ایران" ترجمه آزاده
<http://irpress.org>



گروه های فشار چگونه در حکومت نفوذ می کنند

یک گروه فشار مرکب از اشخاصی است که متفقاً تصمیمات سیاست ملی را تعیین می کنند. آن ها یک جامعه تخصصی اند. اما گروه های فشار الزاماً به شیوه رسمی اعمال قدرت نمی کنند. آن مأمورین و بوروکرات های می توانند شاغل مقامات دولتی باشند که وابسته به این گروه ها بوده باشند و رسماً به نفع گروه های فشار اعمال قدرت کنند.

در نتیجه، قدرت واقعی مقامات در اختیار گروه های از این نوع است. این قدرت واقعی - اگر گروه های فشار تشکیل اکثریت ها دهند می تواند خصیلت دموکراتیک داشته باشد؛ و اگر همین گروه ها نماینده اقلیت باشند، در آن صورت خصیلت اقلیت حکومتگر را به تنوع خواهند گرفت. در کلمبیا، وسیله تشکیل بخشی از گروه های فشار در اختیار اقلیت کوچکی است که تنها گروه فشار واقعی را می سازد. زیرا کلیه تصمیم های واقعاً مهم در مورد ابتدای ساختارهای مؤثر، بستگی به این گروه دارد. و این گروه فشار اقلیت کوچک از

برگرفته از سایت: "بانگانی مطبوعات ایران" ۱۲۵
<http://irpress.org>

دولت بازرسی خواهد گماشت که املاک او به دهقانان واگذار کنند. ولی لازم است که کشت از طریق شبکه های تعاونی و اشتراکی، و مطابق با برنامه ارضی ملی، و با مساعدت مالی و فنی کنترل شود. هیچ کس نباید زمین را خریداری کند. هر زمینی که برای ملک عام نقلی می شود باید بدون بازپرداخت مصادره شود. شوراهای سرخپوشی باید مالک واقعی زمین هائی باشد که به آن ها تعلق دارد. این کار موجب بهبود رشد و ثروت اجتماعات بومی می شود.

۲. اصلاحات شهری

هر کس که در شهرها و شهرکها ساکن خانمائی باشد مالک همان خانه خواهد بود. کسانی که منبع درآمدشان فقط اجاره بهای یک خانه است و از آن اشاعه می کنند می توانند مالک آن باشند، حتی اگر خود ساکن آن خانه نباشند. البته در صورتی که بتواند اتکای مالی خود ب درآمد خانواران بگذارد. اگر بنا بر تشخیص دولت که از خانمائی بگذرد کافی بهره برداری نمی شود، سند مالک آن خانه جریمه خواهد شد. این جریمه به حساب [صندوق] برنامه های ایجاد مسکن دولت ریخته خواهد شد.

۳. برنامه ریزی

یک برنامه اجباری با هدف تقلیل واردات و افزایش صادرات و صنعتی کردن کشور تهیه خواهد شد. کلیه سرمایه گذاری های دولتی یا خصوصی باید تابع سیاست سرمایه گذاری ملی باشد. فقط دولت باید امور مالی از طریق ارز خارجی را انجام دهد.

xalvat.com

۴. سیاست مالیاتی

از کلیه کسانی که درآمدشان بیش از آن مقدار درآمد لازمی است که یک خانواده متوسط کلمبیائی می تواند با آن راحت زندگی کند (مثلاً ۵ هزار بزو در سال ۱۹۶۵) به شکل تصاعدی مالیات بردارند اخذ خواهد شد. هر درآمدی که بیش از این حد باشد، در صورتی که در بخش هائی که سیاست سرمایه گذاری رسی مقرر می دارد به کار نیفتاده باشد، کلاً باید به دولت

برگرفته از سایت: "بایگانی مطبوعات ایران" <http://irpress.org>

تحويل داده شود. هیچ مؤسسه ای از پرداخت مالیات معاف نیست. به دستمزد تا حد معینی. مثلاً ۵ هزار بزو در ماه، در سال ۱۹۶۵، مالیات تعلق نمی گیرد.

برگرفته از سایت: "بایگانی مطبوعات"

ایران

<http://irpress.org>

۵. ملی کردن

بانک ها، شرکت های بیمه، بیمارستان ها، درمانگاه ها، مراکز تولید و توزیع دارو، وسایل نقلیه عمومی، رادیو، تلویزیون و منابع طبیعی همه متعلق به دولت است.

دولت باید آموزش و پرورش کلیه مردم کلمبیا را به طور رایگان فراهم کند، و باید تا پایان تعلیمات متوسطه ابدتولوزی اولیا، و خانواده ها، و پس از سطح متوسطه ابدتولوزی دانشجویان را محترم بشمارد.

تعلیمات تا سطح متوسط یا تا اتمام تعلیمات فنی اجباری خواهد بود، اولیائی که از قانون تعلیمات اجباری فرزندان شان سرپیچی کنند، قانوناً مجازات خواهند شد. بودجه این کار از سیاست سرمایه گذاری رسی از طریق افزایش مالیات تأمین خواهد شد.

منابع زیرزمینی متعلق به دولت بوده، استخراج نفت یا در نظر گرفتن منابع اقتصاد ملی صورت خواهد گرفت. به شرکت های خارجی امتیازات تقنی داده نخواهد شد مگر تحت شرایط ذیل:

۱. سهم دولت کمتر از ۷۰ درصد نباشد.
۲. تصفیه و توزیع، و تولید انواع سوخت از خدمات دولتی شمرده شده در اختیار دولت خواهد بود.
۳. پس از طی یک دوره، حداکثر ۲۵ سال، کلیه وسایل، تجهیزات، و تأسیسات، بدون بازپرداخت به دولت واگذار خواهد شد.

xalvat.com

۳. دستمزدها و حقوق کارگران و مستخدمین کلمبیائی باید لااقل مساوی باشد با حقوق کارگران و مستخدمین خارجی از همان چیداول شغلی.

برگرفته از سایت: "بایگانی مطبوعات ایران" <http://irpress.org>

۶. روابط بین المللی

کلمبیا با کلیه کشورهای جهان رابطه خواهد داشت و داد و ستدهای تجاری و فرهنگی را مشروط به تساوی و سود متقابل خواهد پذیرفت.

۷. امنیت اجتماعی و بهداشت عمومی

دولت برای امنیت اجتماعی برنامه کامل و مترقی ارائه خواهد داد که حق استفاده از بهداشت، رایگان و خدمات پزشکی بدون تعصب نسبت به طبایب خصوصی این حرفه را تضمین می کند. و کلیه امور مربوط به پیشگیری از پافشاری، کهرلت و مرگ و دقیقاً رسیدگی خواهد کرد. استخدام پرسنل متاعل مربوط به طبایب و بهداشت به عهده دولت است و حقوق آن ها بنا بر آن چه که قانون تعیین می کند و بنا بر تعداد خانوارهائی که خواستار مراجعه به آن ها هستند پرداخت خواهد شد.

xalvat.com

۸. سیاست خانواده

پدرانی که فرزندان خود را طرد کنند جریمه خواهند شد. نگهداری و مراقبت از زن و فرزندان توسط قانون و از طریق مجوزات مؤثر ضمانت خواهد شد.

۹. نیروهای مسلح

بودجه نیروهای مسلح با هدف آن ها متناسب خواهد بود، بدون این که در احتیاجات بهداشتی و تعلیماتی مردم کلمبیا مؤثر باشد. دفاع از حاکمیت ملی، مسئولیت کلی ملت کلمبیا خواهد بود. زنان مجبورند که بعد از ۱۸ سالگی برخی از خدمات عمومی را انجام دهند.

برگرفته از سایت: "بایگانی مطبوعات ایران" <http://irpress.org>

۱۰. حقوق زنان

زنان در فعالیت های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور پر پایه تساوی با مردان شرکت خواهند کرد.

پس از آن که پدر کامیلوتوز در ۲۲ می ۱۹۶۵ این پلانقرم را طرح و عرضه کرد عموم مردم از بخش های مردمی به آن علاقمند شدند و در آن به بحث و تأیید، و سپس گسترش آن، پرداختند. در همین روز جبهه متحد ملی در دانشگاه شهر بوگوتا با دو جبهه افتخاری داد. پدر کامیلوتوز اعلام کرد که او چون یک کلمبیائی، یک جامعه شناس و یک مسیحی و یک کشیش، فردی انقلابی است.

او، به نام یک کلمبیائی، نتوانست مبارزات مردم را نادیده بگیرد. به نام یک جامعه شناس، از طریق دانش علمی از باب واقعیات، به این اعتقاد رسید که راه حل های فنی و مؤثر نمی تواند بدون انقلاب به دست آید.

به نام یک مسیحی، چون جوهر مسیحیت عشق به همسایه است، [می اندیشید] که تنها از طریق انقلاب رفاه اکثریت تأمین خواهد شد.

به نام یک کشیش، چون فداکاری نسبت به همسایه، که لازمه انقلاب است، شرط لازم احسان پدرانه بود و از انجام کامل رسالت او تمکین تا پذیر بود.

xalvat.com

این اطلاع نخست به گروهی مشارران غیررسمی بزرگترین چکسون اطلاع می شد، اما امروزه در باره گروه مشابهی که رئیس دولت با آن ها مشورت کند و به آنها تکی باشد، گفته می شود.

برگرفته از سایت: "بایگانی مطبوعات ایران"

<http://irpress.org>

برگرفته از سایت: "بانگانی مطبوعات ایران"
<http://irpress.org>

کنا جمعه

سال اول
۱۲ مهرماه ۱۳۵۸

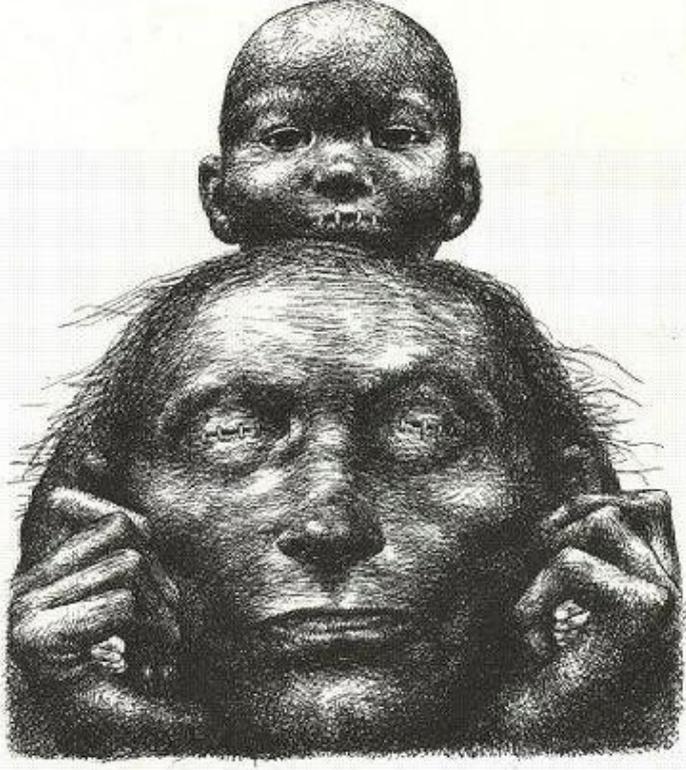
kalvat.com

کنا جمعه

سال اول
۱۲ مهرماه ۱۳۵۸

xalvat.com

۶۵	اس. وانگر سپاه مسلحی	طرح و عکس	۲	● آزادی همیشه و لعل می‌ماند	
۷۲	● تاریخ و پراکنش اجتماعی در اردوی نظام مصنف زان دست	۶۹	● براد خند چند طرح گوربچفین	۸۳	● پرسش
۹۲	ع. پانسی ● تبلیغ، ایدئولوژی و هنر (۲) آرنولد هارپر فرشته سوزی	۱۳۲	● پرسش		
۱۰۴	● دیگرگویی های جامعه فلسطین بهترین گول داوره انتکستین		● قصه		
۱۱۶	● بهره و ری (۲)	۱۳	● دشن شماره باد اجتماع برکوشکی		
۱۱۹	● آفرینش جهان (در اساطیر بابل و آشور) باجلان فرخ	۲۲	● ع. سیانو ● خاتراتی از افاره امنیت پاروسلاو ماشاک		
۱۳۲	● امکانات هنر سینما سروش آریستان اصه خاطر حمص	۲۹	● س. سدها ● انصاف کوه منتظر نگون ایجو مصطفی صوفیان		
	● اسناد تاریخی		● شعر		
	● مرادنامه جمعیت انجمنیرون		● شال		
	● پرسه در مطبوعات		● س.ج. صالحی، شاعر بختیاری ترجمه ع. پانی		
	● چه خطری انقلاب ما را تهدید می‌کند؟ ع. م.		● سه شعر سربلند ارامی با آن سواد سرخ عدالت گزینی		
	● پرسه در متون		● مقالات و مقالات		
	● شاعران شعری		● یادداشت‌های روزانه پدگورا م. سهر		
	● مسیحی منحن		● دشمنی تولید سرمایه‌داری با هنر		
	● کتاب کوچک				
	● نظره در فرهنگ رسمی و فرهنگ عامه ایران محمد میرشکرانی				



یادداشت های روزانه



چه گوارا

xalvat.com

آنچه می خوانید فصلی است از دفتر خاطرات چه گوارا در بولیوی از ۷ تا ۳۰ نوامبر ۱۹۶۶. چه در هفت اکتبر ۱۹۶۷ در جنگل های بولیوی کشته شد.

نوامبر ۱۹۶۶

۷

امروز مرحله جدیدی آغاز شد. شب هنگام به کشتزار رسیدیم. سفر خوبی بود. من و پانچگو با لباس میدل از راه کوچا پامبا وارد شدیم. تماس های لازم برقرار شد و با در جیب بعدت دو روز به راه ادامه دادیم.

در حوالی کشتزار از حرکت باز ایستادیم. یکی از وسائط نقلیه به محل نزدیک شد. زیرا نمی خواستیم مالکین اطراف به ما بدگمان شوند. آن ها از پیش شایع کرده بودند که ما برای معامله و تهیه کواکب در این منطقه طرحی روخته ایم. شاید شکفت انگیز باشد ولی می گفتند که تومیتی داروساز این گروه است. در طول سفر دوم وقتی به کشتزار نزدیک می شدیم بیگوتز که از هویت من آگاه شده بود نزدیک بود از صخره پرت شود. جیب را در کنار دره رها کرد. تقریباً بیست کیلومتر راه رفتیم و یاسی از نیمه شب گذشته بود که به کشتزار رسیدیم. در این مزرعه سه کارگر عضو حزب کار می کردند. بیگوتز اظهار داشت که می خواهد با ما همکاری کند. حزب هر چه می خواهد بکشد، او به مونتی و وفادار است و بهار احترام می گذارد و از او مواظبت می کند. به نظر او رودولفو و گورکو نیز با او هم عقیده اند. اما می افزاید که باید حزب را متقاعد کنیم و برگرفته از سایت: "بایگانی مطبوعات ایران"

<http://irpress.org>

۵۲

ضرورت تیرد را خاطر نشان سازیم.

از او پاری خواستیم و گفتم تا رفتی که مرتجی از سفر بلغارستان برنگردد به حزب اطلاع ندهیم. هم حرف مرا شنید و هم به من پاری داد.

۸

دو روز در منطقه پردرخت کنار نهر که کم و بیش یکصد متر از خانه فاصله داشت گذرانیدیم. مورد حمله نوعی اردک قرار گرفتیم اردک ها ترک نمی زدند ولی ناراحتمان می کردند. با انواع حشرات موذی از قبیل کتک کازی و گوسفندی مگس رسانی و بته رو به رو شدیم. بیگوتز به کمک آرگاناراز جیب را بیرون کشید و به او قول داد چند تا خوک و مرغ از او بخرد. قصد داشتیم گزارش درباره این حوادث تهیه کنیم اما آن را به هفته بعد که قرار است گروه دوم وارد شوند موکول کردیم.

xalvat.com

۹

روزی بی حادثه. همراه با تومیتی به جست و جوی سرچشمه رود ناگواسو (در واقع نهر ناگواسو) پرداختیم اما به سرچشمه آن نرسیدیم. رود از شب تند می گذرد و منطقه ای است که به گنجران بندرت از آن می گذرند. فرد یا انقباض کامل می تواند زمانی پس دراز در این منطقه بماند. باران سنگین ما را مجبور کرد از بیسه بیرون آمده به خانه برویم. شش تا کتک گوسفندی یا گاری را که به بدنم چسبیده بود کتدم و دور انداختیم.

۱۰

پانچگو و پیبو همراه رفیقی از اهالی بولیوی به نام سراقین برای شناسایی محل واه افتادند. آن ها از ما دوو تر رفتند و به شعله نهر (جویبار) رسیدند. همه چیز روبه راه می نمود. در بازگشت در خانه ماندند و بیهوده وقت گذرانندند. واننده آرگاناراز آن ها را دیده بود و با خود آورده بود و آن ها نیز چیزهایی خزیده بودند. من پشت از گزارش خرید گرفتم. تصمیم گرفتم با تعداد روز دیگر به جنگل برویم و در آنجا اردوگاه دائمی برپا کنیم تومیتی در مزرعه ظاهر شد چون قرار بود کارگر مزرعه باشد. کار مناسبی نبود باید اول می دیدیم که آیا به ما اجازه ورود افراد بیس تر یا لا اقل افراد خودمان را می دادند یا نه. من با آن ها خودمانی تر بودم.

برگرفته از سایت: "بایگانی مطبوعات ایران"

<http://irpress.org>

۱۱

باز هم روزی بی حادثه در اردوگاه جدید در آن سوی خانه. جایی که می خوابیدیم. سیری شد.

این حشرات جهتمی آدم را مجبور می کنند به تنو و شش بند پناه برد (تنها من پشه بند داشتم) تومیتی به ملاقات آرگاناراز وقت و از او چند تا مرغ و بوقلمون خرید. گویا هنوز

۵۳

به او سوهلن نبرده اند.

۱۲

يك روز بی‌ساده دیگر، شناسائی اندکی به‌عمل آمد. زمینی را که بنا بود یا ورود شش نفر از گروه دوم به‌اردوگاه تبدیل کنیم آماده کردیم. پخش انتخاب شده بر فراز تپه‌ی کوچک فرج‌درد يك صد متر از ابتدای آرامگاه قرار دارد. غاری در آن حوالی بود، یا حفر چند گودال محل مناسبی برای پنهان کردن غذا و چیزهای دیگر بود. برطبق دسته‌بندی گروه می‌بایست تا این زمان نخستین سه گروه دو نفری در راه باشند و در پایان هفته دیگر به‌کشتزار برسند. موی سرم بلند شده خیلی هم تنگ است. موهای خاکستری بود شده‌اند و می‌ریزند. ریشم بلند شده است، در ظرف يك دو ماه دیگر به‌مخودم خواهم رسید.

برگرفته از سایت: "بانگانی مطبوعات ایران" <http://irpress.org>

۱۳

یکشنبه است. چند تا شکاچی و گاودگران مزرعه آرگاناراز از کنار منزلگاه ما گذشتند. آن‌ها مردان جنگل به‌شمار می‌روند، جوان و مجردند و از ثروت شدید نسبت به‌ارباب خود سرشار شده‌اند و برای پیوستن به‌گروه ما بسیار مناسبند. به‌من اطلاع دادند که خانه‌هایی در حدود هشت فرسنگی بالای رودخانه وجود دارند. دره‌های پر آب و دره‌های مناسب نیز آن‌جا به‌جشم می‌خورد. خبر دیگری نیست.

xalvat.com

۱۴

يك هفته در اردوگاه، باچنگو شگین و ناراحت است اما باید به‌این حالت چیره شود. امروز کار حفر يك تپه را شروع کردیم. چیزهای مورد نیاز را در آن پنهان خواهیم کرد. سعی می‌کنیم تا حد ممکن تپه مرطوب نباشد. دهانه آن را با کتفه درخت می‌پوشانیم و آن را در استتار کامل نگاه می‌داریم. حفر چاه يك متر و نیمی هم‌اکنون پایان یافته است و کار روی تپه به‌خوبی ادامه دارد.

۱۵

حفر تپه ادامه دارد. بومیو و باچنگو صبح و ترمینی و من بعدازظهر ساعت شش که دست از کار کشیدیم تپه دو متر عمق داشته. قرار است فردا آن را تمام کنیم و چیزهای مورد نیاز و یا ارزش را در آن جا دهیم. شب باران می‌بارید و مجبور شدم از تنو فرار کنم. تنو تر شده بود چون برشش ناپلونی آن بسیار کوچک بود. خبر تازه‌ی نیست.

برگرفته از سایت: "بانگانی مطبوعات ایران" <http://irpress.org>

۱۶
کندن تپه تمام شد و در ورودی آن به‌طور مناسبه از دیده پنهان شد. تنها يك گروه راه باید به‌طور استتار به‌وجود آید. ما فردا همه چیز را به‌خانه کوچک خود منتقل خواهیم کرد و با جوب و گل دهانه آن را خواهیم بست. طرح این تپه با شماره يك مشخص شده و در سند شماره يك متعین است. بقیه کارها برطبق معمول پیش می‌رود، پس فردا از لایاز خبری خواهد رسید.

۱۷

حفره را از اشیاء و لوازم بر کردیم از جمله مقداری کسر و که می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. با دقت بسیار آن را پوشاندیم خبر تازه‌ی از لایاز رسید. بچه‌ها با آرگاناراز صحبت کردند و از او چیزهایی خریدند و او در مورد مشارکت ما در امر تجارت کوکاتین باقتضای می‌کرد. برگرفته از سایت: "بانگانی مطبوعات ایران" <http://irpress.org>

۱۸

بازهم خبری از لایاز نرسید. باچنگو و بومیو باو دیگر برای شناسائی نهر به‌راه افتادند اما معتقدند که این‌جا برای اردوگاه جای مناسبی نیست. روز دوشنبه باو دیگر همراه ترمینی برای شناسائی محل خواهیم رفت. آرگاناراز آمد و مدتی این‌جا ماند و چاه و مرمت کرد و سنگ‌ها را از رودخانه بیرون ریخت. به‌نظر می‌رسد که از حضور ما در این‌جا بدگمان نیست. همه چیز به‌طور بکلوخت رخ می‌دهد. پشه‌ها و کنه‌های دامی‌ش ما را جریح‌دار کرده‌اند و مدام ما را می‌گزند. در نخستین ساعات باعداد هوا کاملاً سرد است.

xalvat.com

۱۹

از لایاز خبری نرسید. این‌جا هم خبر تازه‌ی نیست يك روز و دو خفا بسر بردیم چون روز شنبه بود روزی که شکارچیان این‌جا ظاهر می‌شوند.

۲۰

ظهر مارکوز و رولاندو وارد شدند. اکنون شش تقریبی بی‌درنگ به‌بحث و تفسیر درباره‌ی سفر پرداختیم. آن‌ها دیرتر از زمانی که ما انتظار داشتیم آمدند. چون هفته گذشته اطلاع داده بودند این گروه جابلک‌تر و تندتر از دیگران از راه سان‌پابلو سفر کرده بودند و تا هفته آینده چشم به‌راه چهار نفر دیگر نبودیم. رددلفو با آن‌ها آمد و مرا تحت تأثیر قرار داد. مسلماً آمادگی بیش‌تری داره تا همه چیز را به‌هم بریزد از بیگوت آمادگی بیش‌تری دارد باین ار او از حضور من آگاه کرد و کوکو نیز و بدین سان مقررات را شکست. به‌نظر می‌رسد که این مورد از نظر جریزه و



xalvat.com

برگرفته از سایت: "بانگانی مطبوعات ایران" <http://irpress.org>

xalvat.com

مدیریت حالتی ریشه آمیز به دنبال دارد. به معنای نام نوشته و توصیفیانه کردم (مدارک شماره ۱ و ۲) و همچنین به این نوشته و به سرسختی های او پاسخ دادم. رودولفو دو آغاز باعداد از راه رسید.

برگرفته از سایت: "بانگانی مطبوعات ایران"
<http://irpress.org>

۲۶

نخستین روز يك گروه بزرگ، باران سخت می بارید و حرکت به سوی قرارگاه جدید دو زیر باران ما را نا معز استخوان خیس کرد. اکنون در جای خود قرار گرفته ایم، چادر و خیمه ما گویا از بارچه روکش کامیون ساخته شده است. آب پس می دهد و خیس خیس است ولی پا وجود این ناصبی ما را در برابر سیل باران محافظت می کند. تنو داریم پوشش آن هم از نایلون است. اسلحه پیش تری به دستمان رسیده. مارکوز یک گارانت داد. از انار هم بهرولاند و تفنگ آمهک می دهیم. ژورژ نزد ما می ماند اما سرپرستی کار را در مزرعه به عهده خواهد گرفت. از رودولفو تقاضا کردم برای همان متخصص کشاورزی بفرستد. می گویند تا حد امکان به این وضع اذاعه دهیم.

۲۷

توما، ژرژ و من در امتداد رودخانه ناگهوا سو به کاوش پرداختیم تا تهری را که تازه شناسایی شده بود بازرسی کنیم. رود به سبب باران دبروز مشخص نبود. به سختی می توانستیم به محل مورد نظر برویم. نهر کوچکی بود که محل خروجی آن محصور بود و می توانستیم از آن برای يك اردوگاه دائمی استفاده کنیم. به شرط آن که آن را آماده و مرتب کنیم. کمی پس از ساعت ۹ شب برگشتیم. خبر تازه می بود.

xalvat.com

۲۸

دیدبانی را افتتاح کردم. مشرف به خانه کوچکی در کشتزار است. دو مورد بازرسی و یا حضور رهگذران مراسم از پیش می توان آگاه شد. وقتی دو نفر برای مأموریت و شناسایی می روند بقیه باید کشیک سه ساعت بدهند. بومی و مارکوز استیلاکانات اردوگاه ما تا نهر که هنوز هم در حال طغیان است شناسایی کرده اند.

۲۹

پاچو و رودولفو برای شناسایی نهر بیرون رفتند می باید تا فردا برگردند. شب گذشته دو تا از کارگران کشتزار آراگاراناز (برسزنان به این جا آمدند) مملاتی غیرمنتظره به عمل آمد. دیگر چیز عجیبی نبود. بهر حال آنتونیو که برای شناسایی رفته بود و توما که رسماً در خانه به سر می برد هر دو غالب بودند. بهانه شکار، تولد آلیوشا.

۳۰

از برج نگهبانی گزارش دادند که یک جیب با دو یا سه سرنشین به آن جا آمده است.

گویا مأمورین بخش پیشگیری مالاریا بودند که بعد از گرفتن چند نمونه خون آنجا را ترک کردند. پاچو و رونالدو شب هنگام بسیار دیروقت از راه رسیدند. آن ها نهر را از روی نقشه شناسایی کرده بودند. مسیر اصلی را دنبال کردند اردوگاههای متروک را یافتند.

برگرفته از سایت: "بانگانی مطبوعات ایران"
<http://irpress.org>

۲۶

امروز شنبه است. همه در خانه مانده ایم. از ژورژ خواهش کردم سوار بر اسب شود و برود رودخانه را شناسایی کند و ببیند تا کجا گشوده شده است. اسب این جا نبود، او (۲۰ تا ۲۵ کیلومتر) پیاده راه رفت تا از دون دون میوتو آسی عاوبه کند. شب فرا رسید و او هنوز برنگشته است. خبری هم از لایاز نیامد.

۲۷

ژورژ هنوز نیامده است. دستوری صادر کردم تا در طول شب مراقبت کنند اما در ساعت ۹ نخستین جیب از لایاز رسید. جواکین و اوریانو همراه کوکو آمدند و فردی از اهالی بولیوی را هم با خود آوردند. او دانشجوی پزشکی و نامش ارنستو آمده بود نزد ما به ماند. کوکو وقت و ریکاردو، بولیوی، میگوئل و شخصی به نام اینی. او آورد. او نیز قصد لغات داشت. حالا روبه رفته دوازده تن شورش هستیم. علاوه بر ژورژ که نقش مالک را بازی می کند کوکو و رودولفو مسئول تماس و ارتباط خواهند بود. ریکاردو اخبار اضطراب آمیزی آورد البته در بولیوی است و می خواهد مرا ملاقات کند و بیست نفر را بفرستد. این امر مشکلتی به بار می آورد زیرا ما مبارزه را جهانی می کنیم یعنی آن که به استانیلاتو توجهی کرده باشیم. وای بر این شد که او را به استانیلاتو بفرستند و کوکو او را سوار کند و به این جا بیاورد. صبح زود کوکو با جیب ما را ترک کرد و ریکاردو روز بعد به منظور سفر به لایاز راه افتاد. کوکو سری به محل روستو خواهد زد و سراج ژرژ را خواهد گرفت. در گفت و گوی قبلی با اینی گفت که تصور نمی کند استانیلاتو به قیام بیوند اما به نظر می رسد قصد دارد رابطه خود را قطع کند.

xalvat.com

۲۸

با تعداد نه از ژورژ خبری شدو نه کوکو بازگشت. پاسی از روز گذشته آمدند. اتفاقی نیفتاده بود کمی بی خیال و بی مسئولیت در خانه رویوتو مانده بودند.

بعد از ظهر من گروه بولیوی و فراخواندم و مسئله اعزام بیست نفر از اهالی بر را پیش کشیدم. همه موافقت کردند و قرار شد تا شروع عملیات دست به این کار نزنیم.

۲۹

برای مطالعه امکانات رودخانه و شناسایی نهر که مسلماً اردوگاه جدید ما در آن جا

برای خواهد شد عازم شدیم. گروه عبارت بود از تومینی، اوریانو، اینی و من. جای امنی بود اما بسیار تیره بود. کوشیدیم نهر دیگری را که در حدود یک ساعت دورتر بود آزمایش کنیم. تومینی زمین خودو فوزک پایش در وقت شب هنگام پس از اندازه گیری رودخانه به منزل رسیدیم. همه چیز به همان متوال بود. کوکو به استانیلاتو رفت و آنجا منتظر جینو ماند.

برگرفته از سایت: "بانگانی مطبوعات ایران"
<http://irpress.org>

۳۰

مارکوز، پاچو، میگوئل و پیو به مأموریت رفتند. با این دستور العمل که نهر دو دست و شناسایی کنند. باید در ظرف دو روز دیگر برگردند. باران سختی می بارید. در خانه تنبیری رخ نداد.

تحلیل ماهانه: همه چیز در راه بود. بدون مشکلی وارد شدیم. تیمی از افراد نیز همین طوی، کچه تا حدی تأخیر داشتند. همکاران ریکاردو بر علیه همه مشکلات خواهند جنگید. دورنما در این ناحیه متروک خوب است. همه جوابت دلالت بر این دارند که می توانیم تا زمانی که ضروری بدانیم در این جا اقامت کنیم نقشه ما از این قرار است. در انتظار بقیه افراد می مانیم. تعداد افراد بولیوی را دست کم به ۲۰ نفر افزایش می دهیم و عملیات را شروع می کنیم. ما هنوز مجبوریم از عکس العمل مونجی با خبر شویم و بدانیم افراد گوارا چه گونه رفتار می کنند.

برگردان - معلم

xalvat.com



اینهارا هم ببینید:





کامیلیو تورس : ضد شورش و جنگ انقلابی **9 8 7 6 5 4 3 2 1** متن کامل (در یک بخش)

بالای صفحه

